

درخواست
اوکراین
از غرب:
به ما
پتو بدهید

پتو بدهید



ما خودمون ننگ پشگلیم

از شهردار کی یف به غرب با سلام و احترام و این جور چیزا... نظر به اینکه زمستان در راه است و تا چشم باز کردیم این طرفها همیشه زمستان بوده و فصلهای گل و بلبلش به شرق رسیده است، تقاضای خود را مبنی بر ارسال کمکهای گرمایشی غرب اعلام می داریم. چنانکه مستحضر هستید شرکت انرژی اوکراین بارها توسط روسیه سرویس شده، لذا متمنی است دستورات لازم را جهت ارسال پتو صادر نمایید.

از غرب به شهردار کی یف ما هم با احترام و این جور چیزا... به استحضار می رساند نامه جنابعالی دریافت و سوز توصیف شده کاملا با پوست و استخوان احصاء گردید. چنانکه اطلاع دارید صابون روسیه به تن غرب خورده و نامبرده در حال جمع آوری هیزم و تا زانو در شکل است. با توجه به وضع موجود، چنانچه آتش جنگ هم گرمتر نمی کند، به خاورمیانه رونوشت نمایید، امید است پتوی اعلا گیرتان بیاید.

پن: میگن پتوهاشون هم نونه

از شهردار کی یف به غرب باز سلام. با تشکر از راهنمایی جنابعالی، عطف به اون وقتایی که مقابل روسیه شیرمون می کردین Jik Jikeh mastonet bood fekre zemestonet bood?

از غرب به شهردار کی یف گرم که غلیک، با عرض خواهش می کنم و با عنایت به تسلط شهردار محترم به ضرب المثل و استفاده بجا از آن در بحران سوخت و انرژی و تیریکات ویژه به روحیه ان جناب، لطفا گوگل کنید؛ بول، اروپا، باغ، بقیه جاها جنگل.

از شهردار کی یف به غرب سلامی تازه کنیم. ضمن قدرانی از روحیه مثال زدنی وزیر سیاست خارجه غرب در شرایط بحران انرژی، اعلام می دارد روحیه جناب تان در پرتاب تیکه نیز شایسته تقدیر است. لازم به یادآوری است لطفا درخواست برای ارسال پتو توسط نمک ریختن ها فراموش نشود.

پن: در ضمن از قدیم گفتن ضرب المثل رو بنذازم زمین صاحبش برمی داره.

مازیان اسماعیل زاده

زهرا آراسته نیا

مژده مژده
انواع مواد قابل اشتعال و گرمازا در سایزها و قیمت های مختلف موجود می باشد. خرید حضوری و اینترنتی گاوآردی مزرعه جیسون و شرکا

راه حل کم کاری دام های خود را از ما بخواهید
روغن پارافین و کرچک اعلا با ضمانت اثردهی صددرصدی شرکت گاز لندن و حومه

تعویض کلیه با پتو
کلیه سالم و فریزشده گروه خونی O، ظرفیت بالا، بدون شن و ماسه، کم کار تحویل در محل

فرزانه صنیمی

صلح نوبل برای جاسوسی
با سلام خدمت مشاور محترم رئیس جمهور کشوری هستم که نمی خواهم نامم فاش شود. چندی پیش در یک کشور خاورمیانه ای که اسمش را نمی برم برای سفارتخانه مان مشکلی پیش آمد که نمی توانم بگویم. کارمندان سفارتخانه هم گروگان گرفته شده اند. ما خلاقی نکرده بودیم جز یک اقدام کوچک در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که نمی توانم بگویم چی بود و چند تا کار مشابه دیگر، اما آن نندیدیدها جوری برخورد کردند که انگار فقط آنجا از این کارها کرده ایم. حالا از فرط نگرانی برای آن کارمندان بی گناه هر شب خواب می بینم در انتخابات سال آینده شکست خورده ام. لطفا مرا راهنمایی کنید.

جیمی.ک. از واشنگتن دی سی

با سلام خدمت شما رئیس جمهور گرامی
خیالتان راحت، ما نفهمیدیم شما کی هستید. همینطوری شانسی چند تا راهکار ارائه می دهیم شاید به دردتان خورد.

۱- کودتا ردیف کنید: شما که بلد این کارید و سابقه اش را هم دارید در سوالتان هم تلوایحا اشاره کرده بودید البته ما متوجهش نشدیم. همین طوری یک پیشنهادی دادیم.

۲- حمله نظامی کنید: شما که دنبال بیهانه هستید (البته فقط حدس می زنیم!) این هم یک بیهانه تیل فقط قبیلش هواشناسی را خوب چک کنید که توفان شنی چیزی در راه نباشد.

۳- بنشینید برای جایزه نوبل درس بخوانید: فرض کنید نقشه کودتایتان در دقیقه نود نوبل برود. هواشناسی هم درست و حسابی همکاری نکند و گرفتار توفان شن بشوید. در این صورت آبرویتان در سطح بین الملل رفته و انتخابات آینده را هم از دست می دهید اما عوضش چون حمله و کودتایتان موفق نبوده شانس بردن جایزه صلح نوبل ۲۰۰۲ را دارید. احیانا اگر رئیس جمهور آمریکا هستید حتما به آکادمی نوبل اعلام کنید. برای رؤسای جمهور آمریکا سهمیه جداگانه دارند.

فریبا رئیسی

هیزم و گاز و پهن، اوکراین، سرخط خیر سوخت پز، گرما بدر، بازی جنگی سر به سر بایدن، مریم، نصی، نانسی، بختیانید دست شد تنور جنگ یخ، پس کو پتوی شمله وور؟

زلسکی به براندازان آن سوی جهان فصل سرما شد برادر دست بر دامانتان بنده هستم در بهار دنبال یک تخته پتو خاصه از آنها که هشتک می زدید از زیر آن

ایرالدان سنایی

هاوویین
کره ای های چشم بادامی مردمی سخت کوش و سرد و حزین با زبان کره شمالی ها لیک های تک شبیه مردم چین خانه هاشان که قوطی کبریت و منظم ترین روی زمین هم توی کار رتبه اول همجو سهراب سراغ من اگر می آید تیشه نقد نیارید! ظریف و تردیم مملکت حکم هتل دارد و ما هم توریست سر آماده بیاییم و سراپا آریدم

پیش ما عشق، فقط هرچه که made in خارج! پولمان را ولی از سفره داخل بردیم

طی یک حرکت زیبای پر از نوستالژی غرب، هیزم به کف آورده و ما جاکوردیم

آن طرف در هاوویین له شده و می میرند آه، ای کاش که ما هم زخوشی می مردیم

احمد اسدانی

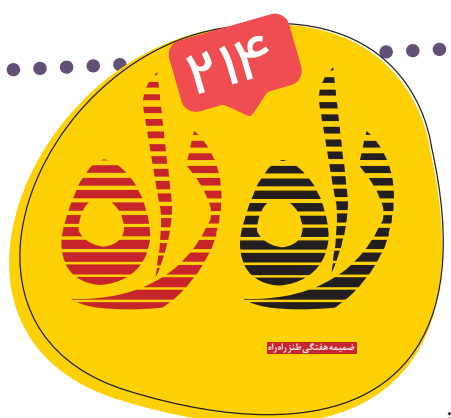
مرگ سرخوش
ای کاش که ما بی غم و تشویش بمیریم نشسته شده در دلخوشی خویش بمیریم ما زنده به آنیم که سرمست شویم و با هلله در پارتنی تجریش بمیریم بسیار سفر کرده برای خوشی خویش در مالزی و ترکیه و کیش بمیریم ما معتقدانیم به اسلام؛ از اینرو گاهی وسط رقص دراویش بمیریم گیرم هاوویین قسمت ماها نشد اما در حسرت آن بزم، کم و بیش بمیریم ای کاش که در دست گرین کارت و لپ مرز در بین صف و موقع تفتیش بمیریم توثیت زدن زیر پتو حرفه ماهاست یک روز در این راه ز سختی ش بمیریم ما در «من و تو» رفته و رسوا شدگانیم با ریشه نبودیم که با ریش بمیریم اینها همه از پیشه مظلوم نمایی ست گرگیم که در جامه یک میش بمیریم

محمد عطایی

بگو به ناتو پس از عرض احترام و ادب که در کی یف شده اوضاع ما قمر عقرب خودش که جیره گازش کم است، می دانم بگو پتو برسانند! سرده لامصب!

بگو به ناتو پس از عرض احترام و ادب فصل سرما شد برادر دست بر دامانتان بنده هستم در بهار دنبال یک تخته پتو خاصه از آنها که هشتک می زدید از زیر آن

پنجشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۱
وطن امروز | شماره ۳۶۱۸
طنز



از غرب به شهردار کی یف تازه کنید. شهردار محترم، با بریدن کف غرب در تبحر جنابعالی در تقلید صدای پرنده مذکور در ضرب المثل یاد شده (jik jik)، غرب تصمیم دارد چند تخته پتوی جمع آوری شده از مراسم پاتختی را جهت همدردی ارسال نماید. طبق مشورت های صورت گرفته اگر امروز پتو ندهیم فردا باید هیزم و پشگی که با عرق جبین جمع شده طبق درخواست تقدیم نماییم. از قدیم گفتن جلوی ضرر رو از هر جا بگیری منفعته!

پن: لازم به یادآوری است پتوها فقط از سی چهل مراسم پاتختی دست به دست شده و دست دو نیستن.

از غرب به شهردار کی یف تازه کردیم. ضمن تشکر از بذل و بخشش غرب، با توجه به صحبت های باغ و جنگل و این حرفا میگه: یه مو از خرس بکنی غنیمته. فلذا ایاشلا تو جنگ و در به دری هاتون جبران کنیم.

از غرب به شهردار کی یف دیگه سلام آخر و خدافظ. ضمن قدرانی از حسن نظر شهردار محترم و عنایت به اینکه با ارسال پتوهای کادویی که چند سال بود در مراسمات می چرخید، فشار اقتصادی جدیدی به اروپا تحمیل خواهد کردید، ضمن آرزوی زمستانی گرم، تقاضا می کنیم هی اینجا و اونجا نشینید بگویند روند ارسال کمک های غرب، کند است. غرب برای تهیه سوخت خود از گاوآرد خواسته روزی شش بار دستشویی کنند.

مرضیه سادات آل ایوب

ظل السلطان در هاوویین
امروز با کالسکه بخار راه افتادیم، کالسکه بخار بسیار تند می رود به خازن الملک گفتیم کاش ما بین تهران و تبریز هم چنین چیزی داشتیم گفت: «علیحضرت ان شا... در سلسله بعدی ما بین شمال و جنوب یک کالسکه بخار می سازند تا مغز ایندگان را به سبب اسفالت کنند.» قرار بود به مراسم قدیسان برویم وقتی به محل مراسم رسیدیم، بسیار خوف کردیم انگار قبرستان کفار را زیر و زبر کردند، صد رحمت به فتوحات چشمی آغا محمدخان فقید در کرمان. ناظم الاطبا که همراهمان بود گفت علیحضرت رنگ روتیان زرد و پریده شده ما هم به سبب کم نیابردن گفتیم ضعف بنیه کردیم.

با لرد "روسل" از دیپلمات های سابق فرنگستان نشستیم و زیاد صحبت کردیم، که ناگهان خیر آوردند شمار زیادی در جریان مراسم قدیسان، ریق رحمت را سر کشیدند. جناب "روسل" در حالی که رنگشان از شرم پریده بود فرمودند علیحضرت ببینید مردم در کشور ما از شدت خوشی جان به جان آفرین تقدیم می کنند. کلامش بلاهت خاصی داشت ولی بلاهت فرنگی هم در عین بلاغت است. جناب "روسل" ادامه دادند: «اگر می خواهید آموزش می دهیم چگونه در ممالک محروسه از یک ماه قبل به پیشواز مراسم قدیسان رفته، از آمبولانس گرفته تا فایر اینجین را در خدمت این مناسک بزرگ به فنا دهید.» خازن الممالک با شصت برعکس نشان داد خزانه خالی است. مردک سبک، دو روز آمده فرنگ برای من بادی لنگوچ اجرا می کند. جناب روسل گفت: «ایرادی ندارد اندکی از آذربایجان و کردستان و احواز هم کفایت می کنند.» ما هم در تعارف قبول کردیم.

از ویکی میرزا پرسیدیم حالا نام مراسمشان چیست پاسخ داد هاوویین، پس گردنی بهش زدیم و گفتیم هاالو خودتی و پدر جدت. گفت علیحضرت نامش هاوویین است. ملتفت شدیم چه می گوید. گفتیم درست است نصف ایران را بهشان بخشیدیم ولی چه اسم با مسامی برایش گذاشته اند با این طرز مراسم گرفتن شان الحق که هاالو هستند.

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
دبیر سرویس نشر: اعظم سادات موسوی
دبیر سرویس شعر: صامره حبیبی
دبیر سرویس کارتون و فتی: سید محمدجواد طاهری
راههای ارتباطی: @tanzym_ir @tanzym_ir @tanzym_ir
ما را در شبکه های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

علی اکبر مدرسی زاده

نه موشک و نه گاز و نه پهیاد کم شده نه پشت ناتو از غم اوکراین خم شده این های و هوی و عریده فیک است جان دل دعوا سر پتوی زلسکی علم شده

ظاهره ابراهیم نژاد

مشکلات

ای غرب ندادی تو به ما جنگنده سرد است هوا و شده ام لرزنده اکنون برسان چند پتو را تا من دیگر نشوم پیش همه شرمنده

ما را دو سه سرباز مفتگی بدهید یا اینکه بدافند کلنگی بدهید سرد است هوای شهر ما، حداقل لطفا پتوی طرح پلنگی بدهید!

حسن اویسی

حداقل آب شست وشویم بدهید پاره شده، سوزن رفویم بدهید این بود کمک های نظامی شما؟ پهیاد نخواستم، پتویم بدهید

مهدی احمدلو